



گفت و گو

قادران این سرمایه

علم و معلمي

بازنشستگی ندارد

بای صحبت استاد احمد صافی
نویسنده پیشکسوت و رئیس هیئت مدیره
کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش

گفت و گو: محمد دشتی

اشاره

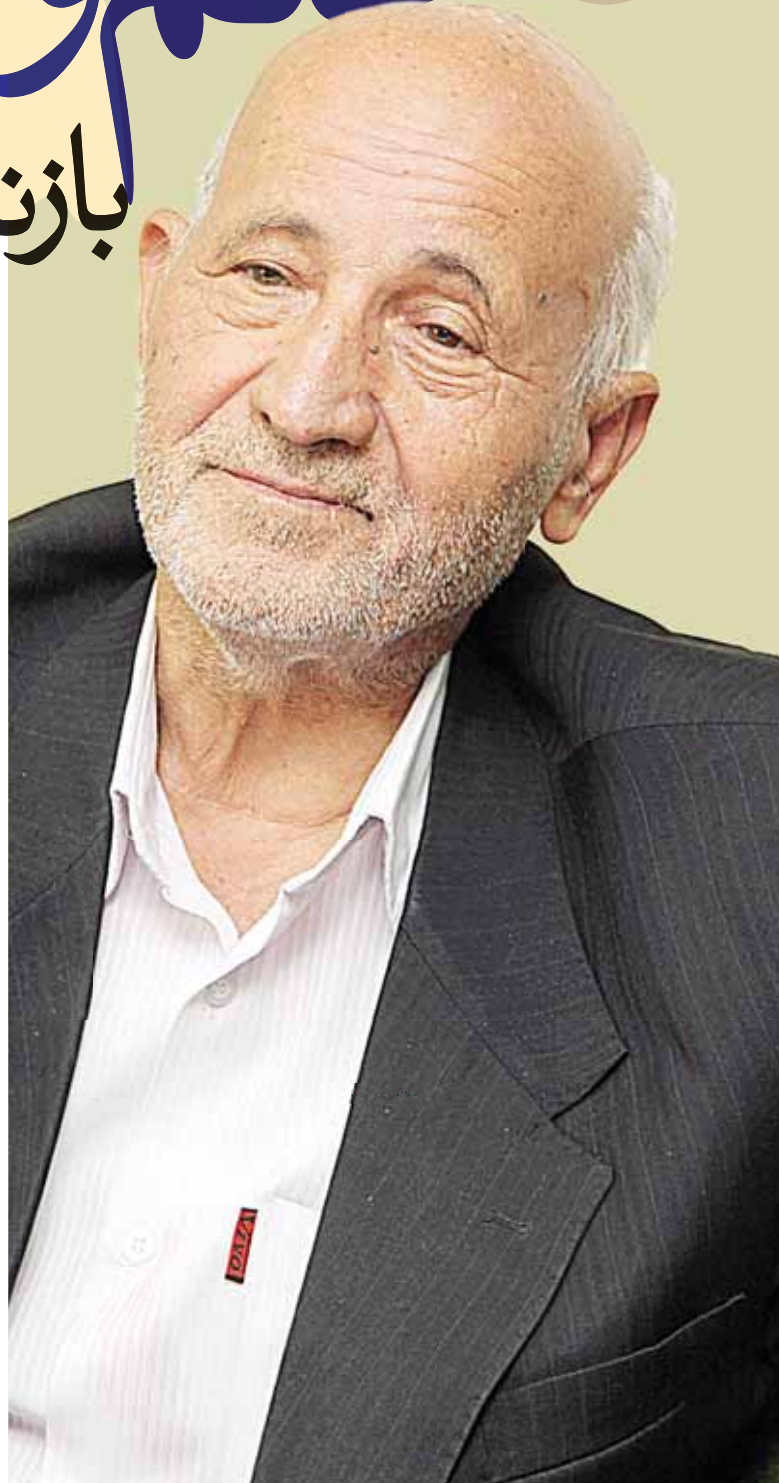
روز دهم مهرماه ۱۳۹۱ بود و ما سه نفر بودیم: استاد احمد صافی، سردبیر مجله و نگارنده. موضوع گفت و گوی ما در خصوص موضوع بازنشستگی و نیز بازنشستگان آموزش و پرورش، مسائل و موضوعات مرتبط با آن و معرفی کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بود.

استاد احمد صافی که به قول خود تاکنون دوبار بازنشسته شده و در حال حاضر هم مسئولیت ریاست هیئت مدیره کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش را بر عهده دارد، در این گفت و گو مهمان مجله رشد معلم بود. سوالات بسیاری که فرهنگیان بازنشسته در مراجعه به دفتر مجله، یا دیدارهای حضوری در تهران و استان‌ها و شهرستان‌های کشور مطرح می کردند، انگیزه اصلی این گفت و گو بود که ما مدت‌ها پیش قصد آن را داشتیم و خوشبختانه در روز مذکور موفق به انجام آن شدیم و اینک آن را تقدیم می کنیم.

احمد صافی در مجموعه گفت و گوهای مربوط به «تاریخ شفاهی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» که در سال ۱۳۸۹ انجام شده بود در مورد سوابق و تجربیات و خدمات خود در حوزه تعلیم و تربیت چنین گفته بود:

احمد صافی، اهل و متولد گلپایگان (۱۳۱۶) هستم. پس از گذراندن کلاس نهم (سوم دبیرستان) به دانش‌سرای مقدماتی رفتم و با گذراندن یک دوره دو ساله در سال ۱۳۳۵ به استخداام آموزش و پرورش در آمدم.

مدتی در لرستان، در روستاهای الیگودرز و ازنا به تدریس پرداختم. سپس به مدت پنج سال در بروجرد معلم کلاس اول دبستان شدم و بعد به تدریح به تحصیل ادامه دادم. به تهران آمدم و در رشته آموزش ابتدایی از دانش‌سرای عالی مدرک کارشناسی گرفتم و فارغ‌التحصیل شدم. در ادامه، راهنمای تعلیماتی مدارس ابتدایی شدم. بعد از آن ضمن این‌که در مراکز تربیت معلم و دانش‌سراها درس می‌دادم، در دانشگاه تربیت معلم نیز در رشته راهنمایی و مشاوره ادامه تحصیل دادم و مدرک کارشناسی ارشد گرفتم. سپس به عنوان معاون در سمت‌های دیگری در مراکز تربیت معلم تا دبیر کلی شورای عالی آموزش و پرورش مشغول به خدمت شدم. در سال ۱۳۶۴ به عنوان معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش - در وزارت آقای سید کاظم اکرمی - منصوب شدم. من از همان زمان که از دانشگاه تربیت معلم در رشته راهنمایی و مشاوره فارغ‌التحصیل شده بودم، به عنوان دانشجوی ممتاز برای تدریس در دانشگاه دعوت شدم. بنابراین، از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تربیت معلم و سپس در دانشگاه‌های دیگر درس دادم و تا امروز هم تدریس می‌کنم. در حال حاضر در دانشگاه الزهر (اس)، علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد و برخی از ترم‌ها در دانشگاه تهران و دانشگاه‌های گوناگون تدریس دارم و مدیر مرکز راهنمایی و مشاوره «صبح امید» هستم که به نظام روان‌شناسی و سازمان ملی جوانان وابسته است. من دوبار در آموزش و پرورش بازنشسته شدم. بار اول زمانی که دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش بودم که بعد از آن مجدداً به عنوان معاون آموزشی به کار دعوت شدم. پس از آن برای بار دوم بازنشسته شدم. خوشبختانه پس از بازنشستگی هم با عنایت الهی موفق شدم ۲۸ جلد کتاب به صورت فردی یا گروهی بنویسم که بسیاری از آن‌ها کتاب‌های درسی دانشگاهی یا برای معلمان در مراکز تربیت معلم یا برای خانواده‌ها یا برای دانش‌آموزان و دانشجویان بوده‌اند. اکنون هم به عنوان رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش در خدمت عزیزان همکار خود هستم.



ه‌های ارزشمند باشیم

● استاد! به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید
بازنشستگی چیست و آغاز و مبدأ آن در
فرهنگ ما از کجاست؟

○ حضور تمامی خوانندگان مجله وزین رشد معلم و معلمان عزیز در سرتاسر کشور و به‌خصوص بازنشستگان بزرگوار سلام عرض می‌کنم. اجازه بفرمایید قبل از پاسخ به این سؤال کمی درباره مجلات رشد و به‌خصوص مجله رشد معلم حرف بزنیم. به‌نظر بنده، مجموعه مجلات رشد از مجلات تأثیرگذار و بامحتوایی هستند که در ایران منتشر می‌شوند و من افتخار می‌کنم که مدتی توفیق همکاری با این مجلات را داشته‌ام و حتی توانسته‌ام مدتی به عنوان عضو هیئت تحریریه مجله رشد معلم خدمت کنم.

به‌نظر من این مجله از بهترین مجلاتی است که می‌تواند معلم و جایگاه او را معرفی و به رشد معلمان به لحاظ علمی، ارتقای فکری و انتقال دیدگاه‌های آنان کمک کند.

اما بحث بازنشستگی؛ این موضوع بسیار خوبی است که شما به آن پرداخته‌اید و اتفاقاً طرح این بحث و خصوصاً پرداختن به موضوع کانون‌های بازنشستگان و خصوصاً کانون‌های بازنشستگان در آموزش و پرورش می‌تواند به لحاظ اطلاع‌رسانی و آگاهی معلمان مفید باشد.

موضوع را با ذکر خاطره‌ای از آغاز سال تحصیلی و مطلبی که یکی از بازنشستگان آموزش و پرورش برای نشریه کانون نقل کرده بود آغاز می‌کنم.

در سال ۱۳۸۳ به‌عنوان کارشناس برنامه خانواده در برنامه «با گام‌های نوجوان» در صدا و سیما حضور داشتم و برنامه هم در روز اول سال تحصیلی پخش می‌شد. خانمی از تبریز با برنامه تماس گرفت و گفت: «اکنون که لحظه آغاز سال تحصیلی است، من از پشت‌بام منزلم، مراسم آغازین سال را در مدرسه‌ای که سال‌ها معلمش بوده‌ام نظاره‌گر هستم و با اشک و لبخند به دانش‌آموزانی نگاه می‌کنم که با ذوق و شوق در روز اول مهر به مدرسه آمده‌اند.

آن خانم ادامه داد: «من بازنشسته شده‌ام و اکنون با حسرت به صف‌های دانش‌آموزانی نگاه می‌کنم که آماده رفتن به کلاس درس هستند. از این به بعد من باید پشت در کلاس یا در واقع در پشت‌بام نظاره‌گر این شروع زیبا باشم؛ شروعی که سی سال برای من تکرار می‌شد، ولی هیچ‌وقت تکراری نشد.»

خانم می‌گفت: «من بازنشسته شده‌ام، ولی عشقم به مدرسه و بچه‌ها بازنشستگی ندارد و پایان نخواهد داشت.»

آن روز صحبت‌های این معلم عزیز و دلسوز ما و همه بینندگان و شنوندگان را تحت تأثیر قرار داد و نشان داد که اگرچه معلمی پایان ظاهری دارد و در سنی خاص معلم باید به آرامش و استراحت بیشتری برسد، اما بازنشستگی در کارش نیست.

ما در آموزه‌های دینی و لسان پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین احادیث فراوانی داریم که علم و علم‌آموزی پایانی ندارد و به اصطلاح انسان تا حیات دارد باید بیاموزد و یاد بدهد. حدیث شریف «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» و کلام «زگهواره تا گور دانش بجوی» بیانگر همین معناست. پس اساساً ما در آموختن، تعطیلی و بازنشستگی نداریم و خصوصاً

در دو وزارتخانه آموزش و پرورش و آموزش عالی، اگر فرد خودش استعدادی داشته باشد و در مدت خدمت، اندوخته‌ای قابل از دانش و توانایی فراهم آورده باشد، قطعاً و حتماً بعد از بازنشستگی قانونی، خریداران و خواهان فراوانی خواهد داشت تا از اندوخته‌های ارزشمند او بهره ببرند. به همین دلیل است که در این دو وزارتخانه، طول مدت خدمت که برای همه کارمندان دولت ۳۰ سال است، به شرط داشتن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر تا ۳۵ سال افزایش یافته است. پس از منظر علمی، معلم و کسی که در زمینه علم و دانش و معلمی خدمت می‌کند، از لحظه شروع دانش‌آموزی، تا آن‌گاه که حیات دارد، در حال رشد است و پایانی برای کار او متصور نیستیم.

● نقش خود بازنشستگان در تداوم این

خدمت و ادامه آن پس از بازنشستگی

قانونی به چه میزان است؟ آیا اساساً نقشی

برای این عزیزان قائل هستید؟

○ بله! اتفاقاً به نظر من اصلی‌ترین نقش بر عهده خود عزیزان است که در ادامه دلایل آن را عرض می‌کنم.

اساساً مأموریت انسان در کره خاکی این است که خودش رشد کند و به رشد دیگران هم کمک کند. چنین مأموریتی زمان ندارد و به همین دلیل پیام اسلام در زمینه تعلیم و تربیت، با عنوان «آموزش مستمر، از نوباوگی تا پایان حیات» بالاترین و والاترین پیام است که در هیچ دین و مکتبی رقیب ندارد. البته همه ادیان الهی بر این مهم تأکید دارند، اما پیام اسلام تکمیل‌کننده و فوق همه این پیام‌هاست.

با چنین نگاهی، ما در آموزش و پرورش چیزی به نام بازنشستگی مطلق و کنار رفتن از تعلیم و تربیت نداریم و البته شرایط موجود ما کفایت این معنا را نمی‌کند و باید به سمت و سویی برویم که دولت و متولیان امور هم فضایی را فراهم آورند که با برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات جامع، از این نیروی عظیم و ثمربخش به نحو مطلوب‌تری استفاده شود. البته با همه موانعی که وجود دارد، باز هم اصل ماجرا متوجه خود معلم و همکاران ما در آموزش و پرورش است. اگر ما دقت و عنایت داشته باشیم و خودمان هم از زمینه‌ای که ایجاد شده است بهره کافی ببریم، صحنه آموزش و پرورش هم با همه مشکلات و موانع موجود و در همه دوران‌ها، هم به‌طور نسبی و به فراخور اوضاع و احوال اجتماعی، فضای مناسبی برای یادگیری و آموختن و کاشتن در مزرعه‌ای است که باید در دوران بازنشستگی از آن بهره ببریم. امروز هم واقعاً این امکان فراهم است که همکاران عزیز ما رشد کنند و از لحاظ کلی و قانونی هیچ منعی وجود ندارد. البته چنین کاری همتی مضاعف می‌طلبد که قطعاً با سختی‌ها و مرارت‌هایی همراه است. اما این سختی‌ها و مرارت‌ها همراه همیشگی انسان در طول تاریخ بوده‌اند تا او پس از طی فراز و نشیب‌های راه، به قله مرتفع افتخار و پیروزی برسد.

پس عرض بنده این است که عملکرد و تلاش فرد، که حتماً باید مقداری از حد معمول بیشتر باشد، آینده او را می‌سازد و زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که بتواند در دوران بازنشستگی هم ضمن استراحت و امنیت خاطر بیشتر، به فعالیت‌ها و تلاش‌های خود در زمینه‌ای، هرچند متفاوت ولی نزدیک به توانایی‌ها و تجربیات خود، ادامه دهد. البته ان‌شاءالله ما باید در کشور به

ما در آموزش و پرورش چیزی به نام بازنشستگی مطلق و کنار رفتن از تعلیم و تربیت نداریم

استخدام خاص آن هم پدید آمد. البته در ابتدا تشکیلات وزارت آموزش و پرورش تنها یک وزیر و یک مدیرکل داشت و واحدهایی زیر نظر ایشان بود که پس از آن مسائل استخدامی و نوع و شیوه به کارگیری نیروها در سطوح مختلف از وزارتخانه تا مدرسه مشخص و آغاز شده است. در سال ۱۳۹۷ مراکز تربیت معلم دختران و پسران به نام‌های «دارالمعلمین» و «دارالمعلمات» تأسیس شد و معلمان تعلیم یافته در این مراکز به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمدند و به‌طور طبیعی باید قوانین استخدامی مربوطه و به تبع آن قوانین بازنشستگی آن مشخص شد و وزارت معارف نظام استخدامی خاص خود را پیدا کرد.

● اداره «تقاعد» چه بود؟ گویا سابقه سازمان بازنشستگی هم به همین اداره بازمی‌گردد! درست است؟

○ بله! همین‌طور است. هم زمان با وزارت آموزش و پرورش یا قبل از آن، بسیاری از سازمان‌های دولتی دیگر هم شکل گرفته و نیرو استخدام کرده بودند. به همین دلیل اداره‌ای به نام اداره تقاعد به وجود آمد. این اداره که سابقه سازمان بازنشستگی به آن برمی‌گردد، در وزارت دارایی تشکیل شده بود و بعدها به اداره کل بازنشستگی کشور تبدیل شد که در سراسر کشور و در ادارات مختلف، شعباتی زیر نظر آن پدید آمدند و از جمله این ادارات، اداره بازنشستگی در وزارت آموزش و پرورش بود. بعد از آن زمانی که قانون استخدام کشوری تصویب شد، بخشی از آن به بازنشستگی و نظام بازنشستگی در ایران اختصاص پیدا کرد. قید ۳۰ سال خدمت یا ۶۵ سال سن برای بازنشسته شدن هم از آن‌جا مشخص می‌شود و مبنای قرار می‌گیرد. در همان قانون، برای برخی سازمان‌ها، شرکت‌ها و دستگاه‌های صنعتی، قوانین و قیده‌ها و تبصره‌های خاصی وضع شد که به ویژگی‌ها و نیازهای خاص این‌گونه دستگاه‌ها براساس قانون کار و مختصات توجه می‌کند.

● آخرین قوانینی که در خصوص بازنشستگی وضع شده‌اند، مستند به چه مواد قانونی هستند؟

○ بیشتر قوانین بر همان اصول اولیه و کلی بازنشستگی مبتنی هستند. اما «قانون مدیریت خدمات کشوری» در سال ۱۳۸۶ نیز قید و بندهایی را مبتنی بر سیاست‌های روز در بخش مربوط به بازنشستگان تعیین و ابلاغ کرده است که می‌توان آن‌ها را آخرین قوانین مصوب ابلاغی دانست. در این قانون، در وزارت علوم و آموزش و پرورش، استادان و کارشناسان ارشدی که در مدارج عالی هستند، فرصت یافتند تا ۳۵ سال به خدمت خود ادامه دهند.

● مستندات قانونی مربوط به بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت هم به همین قانون مربوط است؟

○ بله! براساس همین قانون، به دولت اجازه داده شد در شرایطی خاص و با لحاظ مواردی معین، نیروها بتوانند با ۲۵ سال خدمت ولی با ۳۰ روز حقوق بازنشسته شوند. در حال

سمت و سویی برویم که واقعاً عزیزان ما پس از بازنشستگی نیازمندی مادی و اقتصادی چندانی نداشته باشند و ضمن این‌که از این نظر تأمین باشند، با تشکیل کانون‌های مردم‌نهاد، مانند کانون‌های بازنشستگی، از این فضاها به‌عنوان چتری حمایتی برای پیشبرد اهداف و بهره‌گیری از توانمندی‌های فردی و گروهی استفاده کنند. یعنی مهم‌ترین اتفاقی که باید بیفتد این است که فرد بازنشسته احساس کند باز هم به حال جامعه، خانواده و خودش مفید است؛ احساسی که متأسفانه در حال حاضر شاید عکس آن حاکم باشد. بازنشستگی که معمولاً با دوران میان‌سالی یا کهن‌سالی همراه است، نباید به طرد افراد از جامعه بینجامد و یا باعث ایجاد احساس بی‌هودگی در آنان شود. ما تا در دنیا هستیم به تلاش و سرزندگی و پویایی نیاز داریم و به مصداق این بیان روشن که «الدنيا مزرعة الاخرة» اساساً تا زنده‌ایم این فرصت را داریم که با تلاش و خدمت، توشه‌ای برای آخرت‌مان بفرستیم.

● در مورد فلسفه بازنشسته شدن افراد و سابقه تاریخی آن برای خوانندگان عزیز توضیح بدهید.

○ اگر بخواهیم از منظر قانونی و حقوقی به این موضوع نگاه کنیم، از زمانی که در جهان امور استخدامی و به‌کارگیری نیروی انسانی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی، فنی، آموزشی و... مطرح شد، به نوعی بحث بازنشستگی و قوانین مربوط به آن هم مورد توجه قرار گرفت. طبیعی هم بود که این‌گونه باشد. بالاخره هر فرد به لحاظ توانایی‌های لازم و مدت زمانی که می‌توانست در یک سازمان و دستگاه دولتی و اداری کار کند، عمر و دوره مشخصی داشت و باید پس از آن این فرصت را پیدا می‌کرد که ضمن استراحت و امنیت خاطر، با برخورداری از حقوقی که آینده زندگی او را تأمین کند، جای خود را به نیروهای تازه نفس و جدید بدهد.

هم‌زمان با تعیین قوانین استخدامی، زمان خدمت و نحوه بازنشستگی و فراغت از خدمت افراد هم مطرح و مشخص شد. البته این قوانین و مقررات در کشورهای گوناگون از لحاظی باهم تفاوت‌هایی دارد.

● به‌طور خاص سابقه طرح بحث بازنشستگی و قوانین مربوط به آن در آموزش و پرورش چیست؟

○ اگر بخواهیم سابقه امر استخدام و بازنشستگی در آموزش و پرورش را مرور کنیم، باید بگویم اولین مدرسه‌ای که به سبک جدید در ایران دایر شد، در سال ۱۳۶۸ قمری، و مدرسه دارالفنون بود. گرچه معلمان دارالفنون افراد خارجی بودند، اما از همان ابتدا، افرادی ایرانی هم در این مدرسه مشغول به کار شدند و به استخدام آن درآمدند.

چهار سال بعد وزارت علوم تشکیل شد. با چنین نگاهی ما حدود ۱۵۲ سال سابقه استخدام نیرو در وزارت علوم و سپس وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش را داریم.

سپس در سال ۱۳۸۶ (یک سال بعد از مشروطه) تشکیلاتی با عنوان «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» مسئولیت آموزش و پرورش رسمی کشور را عهده‌دار شد و سیستم

ما باید در کشور به سمت و سوی برویم که واقعاً عزیزان ما پس از بازنشستگی نیازمندی مادی و اقتصادی چندانی نداشته باشند و ضمن این‌که از این نظر تأمین باشند، با تشکیل کانون‌های مردم‌نهاد، مانند کانون‌های بازنشستگی، از این فضاها به‌عنوان چتری حمایتی برای پیشبرد اهداف و بهره‌گیری از توانمندی‌های فردی و گروهی استفاده کنند



● کانون به لحاظ قانونی با چه مراجعی در ارتباط است؟

○ ما از یک سو به لحاظ اساس نامه با وزارت کشور در ارتباطیم و از سوی دیگر با صندوق بازنشستگی کشور و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی مراد داریم. از سوی دیگر هم با وزارت آموزش و پرورش مرتبط هستیم. در حقیقت کانون چتری است که با ایجاد ارتباط بین حداقل این سه نهاد که نام بردیم، فضایی را ایجاد می کند که در صورت حضور، فعالیت و پیگیری بازنشستگان عزیز و نمایندگان آنان، می تواند سبب و منشأ بسیاری از اتفاقات خوب باشد و با پیش بینی هایی که در اساس نامه کانون شده است، امکان برقراری ارتباط و فعالیت در زمینه های گوناگون وجود دارد.

● نظر شما در خصوص طرح بازنشستگی پیش از موعد فرهنگیان چیست؟ آیا نتایج و تبعات این طرح را به نفع آموزش و پرورش می دانید، یا نظر دیگری دارید؟

○ در خصوص طرح بازنشستگی پیش از موعد، به خصوص در مورد فرهنگیان، بنده اعتقاد دارم، نه تنها نباید شرایط و امکاناتی برای خروج این نیروها که اکثر آنان نیروهای باتجربه و پخته بودند، فراهم می شد، بلکه برعکس باید شرایطی فراهم می شد که به هر وسیله ممکن این نیروهای باتجربه در آموزش و پرورش بمانند. بیشتر نیروهایی که از طریق این طرح بازنشست شدند، نیروهای باتجربه، تربیت شده در مراکز تربیت معلم و برخوردار از دانش و تجربه حاصل از سال ها کار در آموزش و پرورش بودند. به هر دلیل، در این طرح شرایطی فراهم شد که به نفع آموزش و پرورش نبود. بسیاری از نیروها از این طرح استقبال کردند، زیرا به واسطه همان تجربه هایی که داشتند، سازمان ها، شرکت ها و دستگاه های دیگر به سرعت آنان را دعوت به کار کردند.

قطعا یافتن و به خدمت گرفتن چنین نیروهایی کار سهل و آسانی نیست و از این بابت خسارتی وارد شد که جبران آن هم به راحتی ممکن نخواهد بود.

آموزش و پرورش مهم ترین و گسترده ترین دستگاه دولتی است و ضمناً کار در آن از دشوارترین کارها در بین دستگاه های اجرایی و آموزشی کشور است. کار مؤثر در این وزارتخانه نیازمند هنر، علم، تجربه، ایمان و عشق است که همه این ها به آسانی و در همه جا به دست نمی آید. به همین دلیل هم عرض کردم که طرح بازنشستگی پیش از موعد کارکنان وزارت آموزش و پرورش و معلمان برای این وزارتخانه مفید نبود.

● آیا این طرح در آموزش و پرورش سابقه داشت یا برای اولین بار طراحی و اجرا شد؟

○ پیشنهاد این طرح مسبوق به سابقه بود. من خودم در سال ۱۳۶۴ معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش بودم. همان سال ها این طرح پیشنهاد شد که موافقت شود کسانی که ۲۵ سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارند بتوانند تقاضای بازنشستگی کنند. خاطر م هست که در حاشیه همان نامه نوشتیم: یک بررسی انجام شود که با این بخش نامه در سراسر کشور از شبانکاره تا

حاضر هم همه دستگاه ها، اداراتی با عنوان ادارات بازنشستگی دارند و موظف به اجرای قوانین مربوط به این حوزه هستند.

در نهایت برای این که همه اقدامات در خصوص بازنشستگی هماهنگ شوند و همه افراد بتوانند به صورت یکسان از حق و حقوقی که ناشی از پس انداز خود آن ها در دوران خدمت است، بهره مند شوند، سازمان بازنشستگی این مسئولیت کلی را بر عهده دارد. یعنی اداره کل بازنشستگی که به سازمان بازنشستگی تبدیل شده است، سازمان مستقلمی است که در حال حاضر به صندوق بازنشستگی تبدیل شده است و به انجام وظایف محوله اشتغال دارد. کلیه بازنشستگان سازمان ها و دستگاه های دولتی حق و حقوق خود را به طور متمرکز از این صندوق دریافت می دارند. سازمان تأمین خدمات اجتماعی هم متولای ارائه خدمات بازنشستگی به کارگران و بازنشستگان شرکت ها و کارخانجاتی است که تابع قانون کار هستند. پس در حال حاضر، هم صندوق بازنشستگی و هم ادارات بازنشستگی در سازمان های گوناگون مسئولیت تأمین نیازها و حقوق قانونی بازنشستگان را بر عهده دارند. یکی از این سازمان ها هم وزارت آموزش و پرورش است.

● در نشریه شماره ۵۷ کانون اشاره شده بود، هم اکنون تعداد بازنشستگان آموزش و پرورش به ۷۰۰ هزار نفر رسیده است، این تعداد چه کسری از کل مستخدمان آموزش و پرورش را تشکیل می دهد؟

○ جالب است بدانید که نیمی از کل بازنشستگان کشور بازنشسته های وزارت آموزش و پرورش اند. بله! برابر آخرین آمار، بازنشستگان ما در آموزش و پرورش ۶۵۰ هزار نفر بوده اند که با اضافه شدن بازنشستگان اخیر و خصوصاً بازنشستگان طرح پیش از موعد، این آمار به ۷۰۰ هزار نفر می رسد.

آمار شاغلان آموزش و پرورش که در حدود یک میلیون و صد هزار نفر هستند، نشانگر جمعیت بالای بازنشستگان و اهمیت توجه به آنان و برنامه ریزی بهتر و منسجم تر برای نیازهای ضروری و قانونی آنان است. در صد بالایی از این عزیزان فرهیختگان با دانش، توانا و در دسترس هستند که در صورت توجه و برنامه ریزی می توانند نیرویی عظیم و با پشتوانه و مجرب را در اختیار کشور و آینده آن قرار دهند.

● کانون بازنشستگان آموزش و پرورش از چه سالی شکل گرفته است؟

○ برای این که این عزیزان بتوانند منسجم تر شوند و با در کنار هم قرار گرفتن، به نیازهای پیش رو پاسخ دهند و از حقوق خود دفاع کنند، در سال ۱۳۷۸ کانون بازنشستگان آموزش و پرورش شکل گرفت. پیشنهاد این تشکیلات را همان سال اداره کل تعاون و پشتیبانی وقت آموزش و پرورش مطرح کرد و آقای دکتر شکرگف نخعی اولین رئیس کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش بود. از آن سال تا کنون، خوشبختانه حدود ۳۰۰ کانون، با همین عنوان در استان های کشور فعال شده اند. این توسعه ادامه دارد و در نظر است که در آینده ان شاء الله هر شهری کانون بازنشستگان آموزش و پرورش خود را داشته باشد.

کار مؤثر در این وزارتخانه نیازمند هنر، علم، تجربه، ایمان و عشق است که همه این ها به آسانی و در همه جا به دست نمی آید. به همین دلیل هم عرض کردم که طرح بازنشستگی پیش از موعد کارکنان وزارت آموزش و پرورش و معلمان برای این وزارتخانه مفید نبود

چهارم محال و بختیاری، چند دبیر در رشته‌های گوناگون بازنشست خواهند شد و قرار است چه کسانی جای آنان را در کلاس درس پر کنند؟! پس از بررسی‌های اولیه مشخص شد با این طرح بسیاری از مدارس و کلاس‌های درس از معلمان مرتبط با درس گوناگون و دوره‌دیده در مراکز تربیت معلم خالی خواهند شد، بنابراین با اجرای آن موافقت نشد.

بحث را در مورد بازنشستگی در ژاپن در مقاله دیگری نوشته‌ام. این مقاله هم حاصل تحقیقاتی است که انجام شده و هم نتیجه دیدارم از مدارس و آموزش و پرورش این کشور است. مقاله دیگری هم از حاصل مشاهداتم از آموزش و پرورش مالزی نوشته‌ام.

● به‌طور خلاصه نتایج و حاصل این دیده‌ها و تجربیات را بیان فرمایید.

○ حاصل کلی این دیده‌ها و تحقیقات این است: بازنشستگی در همه جای دنیا مطرح است و از قوانین خاص خود پیروی می‌کند. زمان و شرایط بازنشستگی در کشورهای گوناگون متفاوت است. بازنشستگان معمولاً در همه جای دنیا مبلغ قابل توجهی را در دوران خدمت خود پرداخت می‌کنند و متقابلاً در دوران بازنشستگی با حمایت دولت‌ها، از سرویس‌ها و امکانات خوب و مؤثری برخوردار می‌شوند. صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای مختلف معمولاً از سرمایه‌های قابل توجهی برخوردارند که می‌تواند خدمات خوبی را در زمینه تأمین اجتماعی، ورزش، جهانگردی و گردشگری، خدمات درمانی و دیگر زمینه‌هایی که بازنشستگان به لحاظ شرایط سنی و اجتماعی به آن‌ها نیازمندند، به آنان ارائه دهند.

این تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهد، بیشترین تعداد جهانگردان و گردشگران را بازنشستگان و خصوصاً بازنشستگان آموزش عالی و آموزش و پرورش تشکیل می‌دهند و بسیاری از این سفرها، با اهداف کاری و تحقیقاتی و حرفه‌ای آنان همراه است. یعنی همان معنا که گفتم معلمی بازنشستگی ندارد، در مورد آنان مصداق پیدا می‌کند. هم تفریح و جهانگردی می‌کنند و هم تجربیات و حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود را با علم و تسلطی که در حوزه کاری خود دارند به صورت علمی و حرفه‌ای به مخاطبان منتقل می‌کنند. در واقع این معلمان و صاحب‌نظران شکل کارشان عوض می‌شود. شاید دیگر خبری از پشت‌میزنشینی نباشد، ولی خدمات و ارائه تجربیات آنان در قالبی دیگر ادامه پیدا می‌کند. من همین وضعیت را در هند و پاکستان هم در مورد بازنشستگان دیدم و احساس کردم که آنان قدر سرمایه‌گذاری روی نیروهای انسانی خود را به خوبی می‌دانند و ضمن آفریدن منزلت و جایگاه برای نیروهای پیشکسوت و بازنشسته خود، از خدمات و توان آن‌ها به خوبی استفاده می‌کنند.

در ژاپن مشاهده کردم که بعد از ساعت چهار بعدازظهر، مدارس را به مدیران بازنشسته مدارس می‌سپردند و آن‌ها با بهره‌گیری از توان و تجربه خود محیطی را می‌آفریند که بچه‌ها تمایل داشتند ساعات بیشتری را در مدرسه بمانند و از بودن در آن لذت ببرند. در آن کشور، مساحت خانه‌ها ۴۰ متر، اما مساحت برخی مدارس به ۴۰ هزار متر هم می‌رسد و شاید راز و رمز پیشرفتی که ما به دنبال آن هستیم، همین نکات ظریف باشد.

در ژاپن روزی به عنوان «روز معرفی اسوه‌ها» دارند که از معلمان و پیشکسوتان بازنشسته می‌خواهند بعد از تحقیق و مطالعه و تهیه زندگی‌نامه حاصل تجربه خود، آن را در اختیار دانش‌آموزان، خانواده‌ها و همکارانشان قرار دهند و از آنان در آن روز خاص تجلیل می‌کنند.

● اصل مشکل استفاده بهینه نکردن از نیروهای آموزش و پرورش چیست؟ چرا در خصوص نیروهای کیفی از آموزش و پرورش واکنش چندانی نشان داده نشد؟

○ نمی‌توان در فرصتی به این کوتاهی و در چنین مجالی به این سؤال پاسخ کاملی داد. اما باید عرض کنم که ما در این مورد یک اشکال اساسی داریم و آن این‌که هنوز هم نیروها و استعدادها را در آموزش و پرورش شناسایی نکرده‌ایم. آیا واقعاً یک بانک اطلاعاتی وجود دارد که حداقل نیروهای باتجربه، شاخص و توانمند شناسایی و اطلاعات آن‌ها در آن ثبت شده باشد؟ به همین دلیل، وقتی هم که طرح بازنشستگی پیش از موعد مطرح شد، ما هیچ ملاک و معیاری برای شناسایی و غربال کردن نیروهای توانمند نداشتیم و اگر هم به‌طور موردی مدبری این نیروها را می‌شناخت، به لحاظ اخلاقی نمی‌خواست مانع رفتن نیرویی شود که احیاناً برایش شرایط بهتری وجود داشت. به لحاظ قانونی هم نمی‌توانست مانع شود. نیروهای کیفی آموزش و پرورش بیشترین تعداد نیروهایی بودند که این وزارت‌خانه را ترک کردند.

● خوشبختانه این طرح ادامه پیدا نکرد، اما اساساً هدف اصلی این طرح چه بود که در نهایت چنین سرانجامی پیدا کرد؟

○ تا جایی که بنده اطلاع دارم، نیروهای هدف این طرح نیروهایی بودند که احیاناً خسته شده بودند و تمایلی به ماندن و تدریس نداشتند، اما عملاً نیروهایی خارج شدند که توانمند بودند و به دلیل تجربه و توان، امکان یافتن کار و فعالیت با شرایط بهتر برایشان فراهم بود. این هم یکی از عیوب نظام‌های متمرکز است که با ارسال یک بخش‌نامه و دستور اداری، شرایطی را فراهم می‌آورد که در آن تشخیص توانمندی‌ها و تفاوت‌های فردی و پیشگیری از خسارت‌های احتمالی زیاد راحت نیست.

● شما سفرهای علمی و پژوهشی گوناگونی به کشورهای جهان داشته‌اید و آثاری هم در این زمینه منتشر کرده‌اید. در این خصوص و درباره نگاه دیگر کشورها به مسئله بازنشستگان هم برای خوانندگان رشد معلم توضیح دهید.

○ من در خصوص این سفرها در مناسبتهای گوناگون مطالبی را عرض کرده‌ام. در خصوص موضوع بازنشستگی در کشورهای دیگر بنده خودم مقالاتی را در نشریه کانون بازنشستگان آموزش و پرورش نوشته‌ام که یکی از آن‌ها به موضوع بازنشستگی در آموزش و پرورش چین می‌پردازد. همین



مسئله مهم این است که ما توجه داشته باشیم، تکریم شخصیت افراد راه‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها بها دادن عملی به اندوخته‌ها و تجربیات آنان است. در بسیاری از کشورها روی دو موضوع گردشگری و انتشار آثار بازنشستگان خیلی کار می‌کنند و برای آن اهمیت قائل می‌شوند. من در ژاپن به کتابخانه‌های زیادی مراجعه کردم. در بسیاری از کتابخانه‌های شهر بخشی ویژه آثار بازنشستگان وجود دارد. همچنین، مکان‌های خاصی برای مراجعه و استقرار آنان در نظر گرفته شده است که معمولاً امکانات ویژه‌ای دارد و امنیت و آرامش خاصی در آن حکمفرماست.

همچنین، همه‌ساله در مراسم از خدمات و تلاش‌های بازنشستگان به نیکویی تقدیر و این افراد تکریم می‌شوند. ما در آموزه‌های اسلامی خود احادیث و روایات فراوانی داریم که به ما حکم می‌کند بزرگان و پیشکسوتان خود را تکریم کنیم و از وجود آنان، در جاهایی که ممکن است، به شایستگی بهره ببریم.

● در سازمان بازنشستگی و کانون بازنشستگان چه طرح و برنامه‌هایی برای بازنشستگان دارید؟

○ ما در سازمان بازنشستگی طرح‌های متعددی برای بازنشستگان داریم. می‌کشیم آن‌ها را در آستانه‌های مختلف به اجرا درآوریم. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، طرح آموزش و مشاوره بازنشستگان است.

عزیزان ما پس از سی سال خدمت و تلاش و زمانی که بازنشست می‌شوند، اولین مسئله‌شان این است که برای حضور در جامعه و تکمیل درآمدی که شاید تکافوی هزینه‌های زندگی جاری آنان را نداشته باشد، چه کاری باید انجام دهند؟ احتمال دارد فرد با خانواده اختلافات و درگیری‌هایی پیدا کند. ما در این زمینه هم آموزش‌هایی مانند اقتصاد در دوران بازنشستگی، گذران اوقات فراغت، نقش متقابل زن و مرد در دوران بازنشستگی، حفظ سلامت و اموری از این دست را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده‌ایم. همچنین، با استفاده از تجربه‌ها و دانش خود بازنشستگان و استادان این حوزه، جلسات مشاوره‌ای را برای همکاران بازنشسته و خانواده‌های آنان برگزار می‌کنیم.

ما در کانون بازنشستگان آموزش و پرورش و پژوهشگاه تعلیم و تربیت و دوستان در سازمان بازنشستگی، روی ویژگی‌ها، شرایط و انتظارات بازنشستگان محترم تحقیقاتی انجام داده‌ایم که پیام‌های جالبی برای ما دارند.

● لطفاً در مورد این پیام‌ها برایمان سخن بگویید.

○ من در کتاب «مسائل آموزش و پرورش ایران» بخشی از حاصل این تحقیقات را آورده‌ام. در این جا هم به گوشه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد بازنشستگان تفاوت‌های مهمی با شاغلان دارند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- کمتر شدن ارتباطات اجتماعی و به تبع آن تغییر پایگاه اجتماعی

- کاهش درآمد

- بالا رفتن هزینه خانواده

- افزایش اوقات فراغت

- افزایش مشکلات جسمانی و نیاز بیشتر به امکانات بهداشتی و درمانی

- نبود یا کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی

- گسترش خانواده و اضافه شدن فرزندان و نوه‌ها و ضرورت صرف هزینه‌های بیشتر

- کاهش تدریجی توان جسمانی و قدرت بدنی

- اشتغال به کار مجدد در شغل‌های نامتناسب با وضعیت سنی و جسمانی خاص

براساس یافته‌های این تحقیق که در سال ۱۳۷۸ انجام شده است، بازنشستگان به دلایل پیش گفته در چند حوزه مشکل دارند: اقتصادی، درمان، خدمات رفاهی، اجتماعی و صنفی، فرهنگی و اجتماعی، قوانین و مقررات اداری و اجرایی، صندوق بازنشستگان و مسائل بیمه‌ای.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که سازمان و صندوق بازنشستگی و مجلس شورای اسلامی به‌عنوان قانون‌گذار، باید نسبت به موضوع و مسئله بازنشستگان حساسیت بیشتری داشته باشد.

● آیا این تحقیقات کاربردی مناسبی هم داشته و مبنای عمل مسئولان قرار گرفته است؟

○ خوشبختانه در اثر همین نتایج و انعکاس مشکلات بازنشستگان، آیین‌نامه ارتقای منزلت و اعطای تسهیلات به بازنشستگان در سال ۱۳۸۷، در ۱۰ بند به تصویب دولت رسیده است که اگر مفاد همین مصوبه دولت اجرا شود، مشکلات بسیاری از بازنشستگان مرتفع می‌شود، اما متأسفانه همین آیین‌نامه در اجرا با مشکلاتی روبه‌رو شده که اثر آن را به شدت کاهش داده است.

ادامه در صفحه ۴۶

علم و معلمي

ادامه از صفحه ۹

بازنشستگی ندارد

● با توجه به این تحقیقات و ارتباطات گسترده‌ای که با این عزیزان دارید، عمده مشکلات بازنشستگان چیست؟

○ در حال حاضر عمده مشکلات بازنشستگان، از جمله بازنشستگان آموزش و پرورش، در دو حوزه مهم عبارت است از این که: برخی از بازنشستگان هنوز مطالبات مربوط به قانون خدمات کشوری را از سال ۱۳۷۹ به طور کامل دریافت نکرده‌اند. مسئله بعدی هم موضوع سلامت بازنشستگان است که در خطر است و آنان از پوشش بیمه‌ای کامل برخوردار نیستند. موضوع سوم هم این است که امکانات گردشگری و حتی ایرانگردی، آن طور که انتظار دارند، برایشان فراهم نیست.

همان طور که عرض کردم، یکی از برنامه‌های خوب و تأثیرگذار در دوران بازنشستگی که در دیگر کشورها هم مرسوم است، بحث گردشگری داخلی و خارجی برای بازنشستگان است و خوشبختانه دستگاه‌های متولی این امر هم اعلام کرده‌اند، تخفیفات ویژه‌ای را برای بازنشستگان قائل می‌شوند. حالا برای این که این امر گسترش و توسعه یابد، خوب است آموزش و پرورش هم بخشی از امکانات خانه‌های معلم و مدارس را که معمولاً در ایام تعطیلات به این امر اختصاص می‌یابد، به بازنشستگان خود اختصاص دهد.

موضوع بعدی این است که بازنشستگان انتظار دارند در روز تکریم بازنشستگان، توجه بیشتری به آنان بشود و به شایستگی مورد تقدیر و احترام قرار گیرند و این برای معلمي که نیرو و جوانی خود را صرف خدمت به کشورش کرده است، انتظار زیادی نیست. همکاران محترم عنایت خواهند داشت که کانون بازنشستگان به عنوان یک تشکل مردم‌نهاد (NGO) فعالیت می‌کند.

● شما در کانون بازنشستگان آموزش و پرورش برای این بزرگواران چه کرده‌اید؟

○ ما تلاش کرده‌ایم فضایی به وجود آوریم که بازنشستگان عزیز بتوانند گرد هم بیایند و با تشریح مساعی و همفکری مسائل صنفی خود را مطرح کنند و به دنبال راهکارهای مناسب برای حل آن باشند. بودجه کانون هم از حق عضویت اعضا تأمین می‌شود و بودجه خاصی ندارد، مگر این که سازمان و یا دستگاهی به آن کمک کند. البته در سابق آموزش و پرورش کمک‌هایی به کانون کرده است یا در حال حاضر در استان‌های مختلف فضای مناسب را در اختیار کانون قرار داده‌اند، اما کانون بودجه خاصی ندارد و بیشتر به عنوان پتری حمایتی برای برنامه‌های خود اعضا مطرح است. ضمناً اعضای هیئت مدیره کانون هم بابت حضور خودشان در هیئت مدیره کانون بازنشستگان، وجهی دریافت نمی‌کنند و خدماتشان رایگان است. حق عضویت در کانون در هر ماه ۳۰۰ تومان بیشتر نیست، اما با همین اندوخته‌های اندک و کمک‌های سازمان بازنشستگی، شرایطی فراهم شده است که وام‌هایی به صورت قرض الحسنه به اعضا پرداخت می‌شود. هم چنین، تورهای ارزان قیمت گردشگری و با تسهیلات برای بازنشستگان اجرا می‌شود. هر چهار ماه یک بار هم رؤسای کانون‌های کشور همایش‌هایی دارند و مسائل خود و اعضا را مطرح و در خصوص آن‌ها بحث و تبادل نظر می‌کنند. در پایان

هم این خواسته‌ها تحت عنوان قطع نامه‌ای تدوین و ضمن چاپ در نشریه کانون، به عنوان خواسته‌های بازنشستگان، به مسئولان مربوطه و دستگاه‌های ذیربط منعکس می‌شود.

● کانون چه ارتباطی با صندوق ذخیره فرهنگیان دارد؟ آیا اگر امکان ادامه عضویت بازنشستگان وجود داشته باشد، برای این عزیزان بهتر نیست؟

○ در مورد صندوق ذخیره فرهنگیان، متأسفانه بر اساس مصوبه اولیه، پس از اتمام خدمت رسمی، ارتباط بازنشستگان با این صندوق قطع می‌شود. این امر هم پسندیده نیست. اشخاص باید بتوانند با پرداخت حق عضویت، در دوران بازنشستگی هم از مزایای این صندوق استفاده کنند.

ما به عنوان خدمتگزار همکارانمان در کانون منتظر و پذیرای همه عزیزان بازنشسته و پیش‌کسوت در آموزش و پرورش هستیم و از شما هم که باب صحبت هر چند مختصری با این عزیزان را بر رویمان گشودید، متشکریم.

آنچه حقیقت دارد این است که یادمان نرود اراده، سعی و تلاش فردی ما و عنایت الهی کلید و رمز همه موفقیت‌هاست. فراموش نکنیم که خدای بزرگ و مهربان همیشه حامی ماست. گام برداریم و توکل به او را از یاد نبریم که همه موفقیت‌ها و سعادت‌ها از ناحیه آن مهربان روزی رسان است.

نشریه کانون

کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش، نشریه خبری خود را با عنوان «خبرنامه داخلی کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش» به صورت فصل‌نامه منتشر می‌کند. آخرین نسخه از این نشریه خبرنامه شماره ۵۷ است که در بهار ۱۳۹۱ در ۲۸ صفحه منتشر شده است. بازنشستگان آموزش و پرورش می‌توانند مقالات، نوشته‌ها و دیگر آثار قلمی خود را برای چاپ در نشریه ارسال کنند.

فهرست مطالب این نشریه در شماره بهار عبارت است از:

۱. پیشگفتار؛ به قلم جناب آقای احمد صافی
 ۲. قطع نامه گردهمایی مدیران کانون‌ها در استان خراسان شمالی
 ۳. مقاله آقای رضا بیابانی با عنوان «بازنشستگان زندگی خود را چگونه بگذرانند تا کمتر دچار آسیب‌های ناشی از پیری، تنهایی و بیماری شوند؟»
 ۴. اخبار کانون‌های مرکزی و کانون‌های استان‌ها و شهرستان‌ها
 ۵. سروده احمد آذری، معلم پیشکسوت استان چهارمحال و بختیاری با عنوان «شور هستی»
- نشانی کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش
تهران، ضلع جنوبی میدان بهارستان، پلاک ۴۳، کدپستی، ۱۱۴۱۸۳۴۸۱۴، تلفن: ۳۳۱۱۷۱۵۱، شماره: ۳۳۱۱۸۰۹۸

منبع

۱. گفت‌وگو با استاد احمد صافی، مهرداد غفارزاده، ۱۳۹۰، «مجموعه گفت‌وگوهای تاریخ شفاهی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی». ۱۳۹۰.